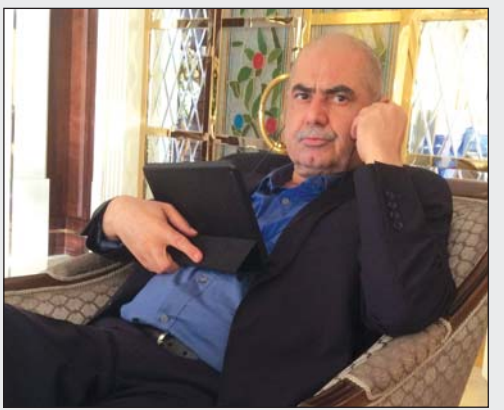
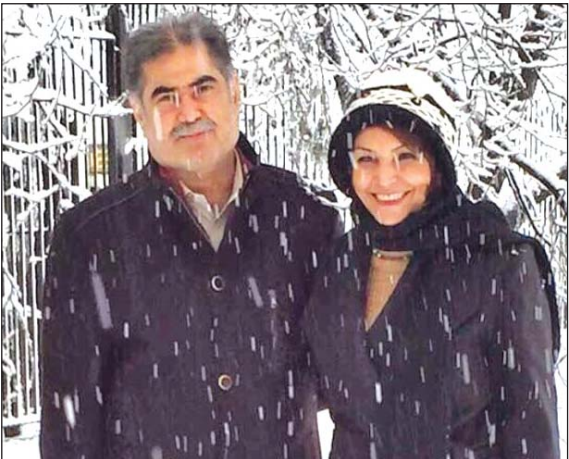


اولین سالروز درگذشت داروساز برجسته و پرچمدار فرهنگ اصیل خوزستان



اولین سالروز درگذشت مرحوم دکتر سید جاسم مشعشعیان اصل است، او زاده خوزستان و یکی از بزرگترین مفاخر علمی کشور در رشته دارو سازی است. پزشکی که همواره بزرگترین دغدغه اش، ارائه خدمت به مردم و پیچاندن نسخه های سلامتی برای بیماران بود و تا ماه های پایانی عمرش لحظه ای از خدمت به مردم عادی و بیماران دست برنداشت و برای ارتقای سلامت جامعه تلاش کرد، او سرانجام بر اثر ابتلا به بیماری سرطان و نزدیک به پنج سال دست و پنجه با این بیماری سخت، روز سوم مرداد ۱۳۹۸ دار فانی را وداع گفت و به دیار باقی شتافت. دکتر سید جاسم مشعشعیان اصل در سال ۱۳۳۹ در اهواز متولد شد. پس از طی دوران ابتدایی و دبیرستان، به دنبال علاقه خود رفت و در کشور سوریه دانشگاه دمشق در رشته دارو سازی پذیرفته شد و پس از گذراندن دوره های تخصصی در دانشگاه شهید بهشتی تهران به عنوان یک دارو ساز بلند آوازه و متبحر در شهر اهواز به یکی از پیشگازان ارائه خدمت به هموطنان تبدیل شد.



سید بهروز مشعشعیان اصل برادر مرحوم دکتر « سید جاسم مشعشعیان اصل» در سالروز درگذشت اش از خاطرات خود و برادرش برایمان می گوید که م شروع این گفتگو از نظراتن می گذرد.

- ♦ در مرحوم برادران و شخصیتی که داشت برایمان بگویید
- جا دارد در ابتدا به عرفشان برسام که سید جاسم مشعشعیان هم پدر، هم برادر و هم معلم من و خانواده ام بود، از کودکی نسبت به یادگیری علم بسیار تلاش می کرد. از همان ابتدای ورود به مدرسه مطالعات خود را در زمینه های مختلف آغاز کرد که نشان از علاقه بارز او نسبت به یادگیری بود.
- ♦ از بزرگترین کاری که مرحوم برادران برای مردم انجام داد، چیزی به یاد دارید؟
- بله، کارهای بزرگ او بسیار است که همه آنها را برایتان خواهم گفت، چرا که او توانست اهداف خود را که در راستای گسترش فرهنگ و خدمت رسانی به مردم استانش بود، تا آخرین روز از عمرش محقق کند چرا که بزرگترین دغدغه اش خدمت به مردم بود.
- ♦ از دوره تحصیل مرحوم مشعشعیان برایمان بگویید.
- مرحوم برادر در شهرهای ویس، هویزه و اهواز زندگی کرد، او ابتدا در اداره دارایی اهواز مشغول به کار شد که بعد از گذشت مدتی به قصد ادامه تحصیل از آن اداره استعفا داد و به کشور سوریه رفت، پس از آن نیز در دانشگاه شهید بهشتی دوره ی دکتری دارو سازی خود را با موفقیت و رتبه عالی اخذ کرد.
- ♦ فرمودین مرحوم برادران نسبت به ارائه خدمت به مردم دغدغه مند بود، بیشتر برایمان بگویید.
- بله او با همکاری دوستان نزدیکی، از محصلاتی که قصد داشتند پزشک شوند حمایت ویژه می کرد و خدمات لازم در بحث علمی، فرهنگی و مالی را به آنها ارائه می داد. پرورش بی بضاعتان از صفات بارز برادر می بود، به خود نیز بابت برادری که همواره دغدغه کار خیر داشت افتخار می کنم. راه اندازی بزرگترین شرکت دارو سازی در استان خوزستان از اقدامات مهم او بود که متأسفانه به دلیل بایل عمر ناتمام باقی ماند.
- ♦ از فعالیت های فرهنگی ایشان بیشتر بگویید.
- مرحوم برادر، در ارائه بحث های فرهنگی و تاریخی پیشتاز بود و علاقه بسیار زیادی نسبت به تاریخ داشت. او بیش از ۳۰ برنامه در قالب بحث های تاریخی و فرهنگی در صدا و سیما و خوزستان داشت، همچنین نسبت به یادگیری و ارائه دانستنی های خود در بخش های مختلف تاریخ اسلام، مباحث دینی و فرهنگی همواره تلاش می کرد، اطلاعات جامعی نسبت به همه ادیان و قومیت های مختلف در خوزستان، به خصوص تاریخ سادات مشعشعیان داشت. علاوه بر این در تبیین جایگاه علما، حکومت داری مذهبی، سنتی و مدرنیته نیز بسیار تلاش کرد.
- ♦ از خانواده و رفتار های مرحوم برادران برایمان بگویید.
- پدرم سید محمد مشعشعیان اصل و مادرم سیده فاطمه موسوی که به رحمت خدا رفته است و به جرات می گویم در طول مدت عمرش برایمان هیچ چیز کم نگذاشت و با دل و جان ما را بزرگ کرد. شش برادر و پنج خواهر هستیم و به خاطر روح بزرگ و قوی مرحوم برادر، که مشوق همه ما نسبت به کسب علم بود موفق شدیم تا مقطع فوق لیسانس و دکتری تحصیل کنیم. پدرم روحیه انقلابی و بزرگی داشت، تحصیل فرزندان اش از علاقه های او بود که توانست بستر مناسبی را برای تحصیل فرزندان خود به وجود آورد.
- ♦ از مرحوم برادران چه خاطره ای به یاد دارید؟
- به یاد دارم که حدودا سال ۱۳۴۶ بود، درست زمانی که در سوریه مشغول به تحصیل در مقطع دکترا بود، به اهواز آمدم و همه ما را در حیاط خانه دور هم جمع کرد، دقیقا در ذهنم مانده است که یک برگه در دست داشت و از همه ما درخواست کرد که در هر شرایطی که بود نسبت به کسب علم تلاش کنیم و تا مقطع دکترا در همان راه ادامه دهیم، در آن برگه ای که در دست داشت از همه ما انضا و اثر انگشت گرفت، خوشبختانه یادگیریم امروز همه ما خواهر و برادرها و فرزندان آنها توانستیم تحصیلات خود را به نحو احسن همانگونه که مرحوم برادر آرزو داشت به سرانجام برسانیم. برادرم مشوق ما برای جایگاه ارزشمندی که هستیم بود.
- ♦ از زندگی در کنار برادران همان روزهایی که باهم و کنار هم بودید، بگویید.
- حقیقتا مرحوم برادر تمام تلاش خود را می کرد تا به قول معروف، آب در دل کسی تکان نخورد و هر وقت کسی نیازمند بود در حد توان خود کمک می کرد، او حتی نسبت به آموزش داشته های خود دریغ نمی کرد، به یاد دارم که همیشه مایل بود با همه نسبت به مسائل مختلف گفتگو کند، او نسبت به عشایر ارادت خاصی داشت و همیشه تلاش می کرد تا با گسترش فرهنگ بتواند به آنها خدمت کند، معتقد بود که رسم های غلط از جمله تیراندازی و تبعیض میان دختر و پسر در میان برخی از عشایر غیور خوزستان باید کمزنگ شود و تمام تلاش خود را در این راه به کار گرفت. جالب است بدانید او همیشه مشتاق گفتگو در مورد مسائل مختلف بود، من در رشته حقوق سر رشته دارم و مرحوم برادرم در رشته داروسازی و در روزهای آخر عمرش روی تخت بیمارستان هم با یکدیگر بر سر مسائل گوناگون گفتگو می کردیم و به نتایج مطلوبی می رسیدم که بسیار خوشایند بود. می خواهم این را بگویم که او هیچوقت در مقابل بیماری کم نیامورد و تسلیم نشد و تا آخرین روز از عمر خود دلش میخواست از دانسته هایش برایمان بگوید و گفتگو کند. من پسر آخر خانواده هستم و اختلاف سنی ام با مرحوم برادرم زیاد است اما همواره مشوق و معلم من بود و محال است خاطراتی که با او داشتیم را فراموش کنم.
- ♦ برادران دوره سختی را در مقابله با بیماری سرطان پشت سر گذاشتند، از آن روزها بگویید.
- برادرم روحیه بسیار قوی داشت، به جرات می گویم شاید هر کس دیگری جای او بود از شدت درد ناله ها سر می داد، اما او هیچوقت آخ نگفت و سعی می کرد آرامش خود را حفظ کند. به یاد دارم زمانی که برای درمان بیماری اش به کشور اسپانیا به همراه او رفته بودم اواخر عمرش حال مساعدی نداشت و یک روز در حال مرحوم برادرم روی تخت بیمارستان به خواب رفته بود، یکی از پزشکان بیمارستان من را صدا زد و گفت که متأسفم این را



- ♦ از آشنایان با مرحوم دکتر جاسم مشعشعیان و خاطراتی که باهم داشتید برایمان بگویید.
- آشنائی من با دکتر، قدمتی ۴۸ ساله دارد. سال پنجم دبستان در شهرستان هویزه در یک ردیف نیمکت کنار هم نشسته بودیم، در همان زمان احساس خوبی به من دست داد حس اینکه یک دوست خوب پیدا کرده ام. دکتر شخصیت بسیار قوی و حکمی داشت و همیشه پای اصول و اهداف طراحی شده در زندگیش قدم برمی داشت، شخصیتی که دور دستها را بخوبی تشخیص می داد و همیشه به آینده خوش بین بود.
- ♦ از اهداف ایشان و درس هایی که در کنارشان آموختید چه به یاد دارید؟
- من در زندگی درسی های بسیاری از ایشان گرفتم. او همواره هدفش در زندگی افزایش آگاهی مردم و کمک به اقشار آسیب پذیر بود.
- وضعیت اقتصادی و فرهنگی مردم همیشه دغدغه فکری ایشان بوده است، به مطالعات تاریخی و اجتماعی بسیار علاقه مند بود و تا آنجا که به یاد دارم همه از ایشان خاطره خوبی دارم.
- ♦ از روحیات و خلق آن مرحوم برایمان بگویید.
- دکتر مشعشعیان ویژگی تمام و کامل یک انسان مومن و متقی بود، به معنای کامل کلمه یک برادر و یک دوست خوب بود. او در تمام سختی های زندگی شما را به آغوش گرم خود دعوت می کرد. چه روحی و چه جسمی محبت خود را به شما نشان می داد. هیچ قانونی را برای پس دزن شما نداشت. همیشه آغوشش به روی همه باز بود. من بهترین دوست زندگیم را از دست دادم. او همیشه قلب خودش را به سوی شما باز می کرد، بدون این که توقع جبران داشته باشد.
- ♦ گفته می شود دوستان خوب بهترین خاطره ها را برای همدیگر می سازند. آیا شما هم دوست خوبی برای مرحوم بودید؟
- قشنگ ترین خاطره ها را با ایشان داشتم، دوست خوب پیدا کردنش سخت است، ترک کردنش سخت تر و فراموش کردنش غیر ممکن.
- لحظه ای در گذر از خاطره ها
- ناخود آگاه دلم یاد تو کرد
- خنده آمد به لبم شاد شدم
- گویای قید غم آزاد شدم
- امیدوارم که برای ایشان هم دوست خوبی بوده باشم و سعی کردم در لحظات سخت کنارش باشم. یاد دارم که در اسپانیا پزشک معالج ایشان «پرفسور خوزه میگوئل» که جا دارد از شخصیت علمی و اخلاقی اش و نیم همراهش یاد کنم که به تمام معنا بار دشواری درمان دوری از وطن را برای ایشان سبک کرد. هر روز صبح بر بالین دکتر می آمدم و با خنده و با حوصله موارد پیگیری درمان را انجام می داد. ایشان می گفت هر یکشنبه که به کلیسا می روم نه تنها برای خانواده، برای سلامتی شما هم دعا می کنم.



- ♦ غلبه بر درد از شخصیت او الگویی بزرگی ساخته است، از زمان بیمار شدن مرحوم دکتر مشعشعیان برایمان بگویید.
- دکتر انسان بسیار بزرگی بود که نمی توان با کلمات ایشان را وصف کرد. بیماری ایشان به گونه ای بود که به علت درگیری استخوان های بدن متحمل دردهای زیاد و سختی بود ولی با این وجود سعی می کرد درد خود را بروز ندهد و امیدوارانه دوره های متعدد درمان را تحمل و به عزیزانش امیدواری می داد. جا دارم من فداکاری خاتم ایشان دکتر شهره عامری پور را هم ارج بگذارم، برای سلامتی و بهبود حال دکتر از همه علائق و دلبستگی های خود گذشت، چون همسرش را بسیار دوست داشت، هر چه عاطفه، محبت و فداکاری داشت برای ایشان به کار برد. وی آ نمونه یک زن وفادار و فداکار می دلم که سخت ترین شرایط را با صبر و حوصله و توکل به خدا گذراند، به این امید که دکتر بتواند سلامتی خود را بدست آورد.
- ♦ سخن آخر
- اکنون که او دیگر در بین ما نیست، احساس تنهایی می کنم. همه ما رفتنی هستیم چیزی که از ما به جای می ماند خاطرات خوب و اثرات مثبت است که بر جای می گذاریم و دکتر به حق چنین کرد.
- ♦ دکتر حسین برزگر، معاون غذا و داروی دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز یکی دیگر از دوستان نزدیک مرحوم دکتر جاسم مشعشعیان اصل در سالروز درگذشت فوت او را شوک بزرگ به جامعه داروسازان دلست و گفت، فداان او برای همه ما ضایعه ای بزرگ و دردناک است.
- ♦ شرح این گفتگو از نظراتن می گذرد:
- از دوره آشنایی خود با مرحوم دکتر مشعشعیان برایمان بگویید.
- دوره آشنایی من و ایشان به سال ۱۳۳۷ برمی گردد
- ♦ از روز هایی که در کنار هم بودید، بیشتر برایمان بگویید. چه چیز مهمی از او به خاطر دارید.
- مرحوم دکتر مشعشعیان در همه کارها سرآمد بود و تمام کارهای ایشان هدف مشترکی داشته و یکی از این اهداف بنیادی ارتقای فرهنگ و کمک به نیازمندان بوده است. اساسا هدف و دغدغه ایشان این بود که فرهنگ سالم و نسبتا پیشرفته را تلقین و ترویج کند. از خصلت های او یکی این بود که همواره تلاش می کرد در زمینه کاری خود راه تازه ای را نشان بدهد و سرسختی باشد و واقعا همین طور بود. او یک داروساز فعال بود که اگر احساس می کرد برای یک بیمار هم می تواند کاری کند، تمام تلاش خود را به کار می گرفت.
- ♦ جای خالی اش...
- ♦ شرح خالی اش این روزها با توجه به شیوع ویروس منخوس کرونا که همه جهان را در بر گرفته است بیشتر احساس می شود، یک شب اگ میان ما بود با دل و جان برای بیماران و تأمین دارو تلاش می کرد.
- ♦ بدون انتظار از کسی بی اجر و مزای برای بیماران وقت می گذاشت و به همه کمک می کرد، یک فعال واقعی در زمینه اجتماعی، پزشکی، فرهنگی بود و جقدر زیاست که همه ما بتوانیم کارهایی را انجام بدهیم که لیخند بر لبهای دیگران به یادگار بگذاریم. بسیاری از افرادی که ممکن بود یک بار فقط مرحوم دکتر مشعشعیان را از نزدیک دیده باشند برای مراسم ترحیم ایشان آمدند که نشان از علاقه و دلسوز او بود.
- ♦ بسیاری از دست نوشته های زیبایش را دارم که تسلی خاطریست در روزهای که نیست... یک سال از نبود او گذشت، یک سال از روزی که دوست و برادر خویم به محبوب ابدی پیوست و صدافسوس که دیگر در بین ما نیست... روحش شاد و یاش گرمی...
- ♦ دکتر سید جاسم مشعشعیان اصل در سکوتی غم انگیز و در مقابل چشمان اشکبار خانواده اش دیده از جهان فروست، روحش شاد.

گفتگو با همسر مرحوم دکتر « سید جاسم مشعشعیان اصل» در سالروز درگذشتش در حالی که اولین سالگرد مرحوم دکتر سید جاسم مشعشعیان اصل معروف به سید مالک است گفت و گویی را با همسر آن مرحوم داشتیم. دکتر شهره عامری پور در گفتگو با نورخوزستان درباره شخصیت همسرش گفت، او چند بار در طول مصاحبه بغض کرد اما به سرعت تلاش می کرد تا خودش را کنترل کند. شاید این رفتار را به واسطه همسر یک اسطوره بودن که نباید در برابر سختی ها، سستی نشان داد قلمداد کرد. او در اظهاراتش به این اشاره می کرد که جای خالی همسرش هیچگونه پر نخواهد شد دکتر عامری پور همسر خود را داروساز خبره ای می دانست و امیدوار بود، جوانان امروز بتوانند همچون او نسبت به یادگیری علم و مطالعه همواره کوشا باشند.

دکتر عامری پور که خود نیز یک دندانپزشک است، همسر خود را استادی فرزانه دلسوز، فداکار و نمونه یک انسان مهربان، نجیب و مسئولیت پذیر بیان می کند و معتقد است جای خالی وی به سادگی پر نخواهد شد اما اطمینان دارد، سیدپ پوشان این دیار با ایمان و عزمی راسخ، راه همسرش را ادامه خواهند داد.

م شروع این گفتگو را در زیر می خوانید:

- لطفا در ابتدای گفتگو بیوگرافی از همسر تان بفرمایید و از شخصیت آن مرحوم بگویید.
- از خودگذشتگی یکی از خصوصیات بارز همسرم بود. آنهایی که او را می شناسند از فداکاری او خاطرات شدیدی بسیار دارند. این باور برای همه ثابت شده است که دکتر مشعشعیان جدا از شخصیت پزشکی به لحاظ فردی مرد یزگی بود و تا آخرین روز از عمرش علیرغم اینکه درگیر بیماری سخت سرطان شده بود، اما دست از مطالعه و فعالیت های خود برنداشت. او کلاما به زبان عربی مسلط بود و در حوزه های فرهنگی، اجتماعی، تاریخی و صنفی یک فعال واقعی بود. ارتباط بسیار نزدیک با صدا و سیما و خوزستان داشت، به جرات می گویم که تمام شبانه روز مشغول به انجام فعالیت های فرهنگی، اجتماعی و ادبی بود چرا که علاقه بسیار داشت تا بتواند به نوبه خود آنچه را که می داند، اجرا کند و جسارت او در برابر گسترش فرهنگ و مسائل اجتماعی ستودنیست. در هیچ لحظه ای از زندگی اش دست از تلاش برنداشت و همین فعالیت های فرهنگی و اجتماعی او باعث شد تا بیشتر او را بشناسیم و آنچه که لازم است را بیاموزیم. همسرم عضو جامعه داروسازان استان و کشور، همچنین مدافع جامعه پزشکی به ویژه داروسازان بود. او عاشق شعر و ادبیات عرب بود که دست نوشته های زیبایی برایمان به یادگار گذاشته است.
- در طول سال های زندگی مشترک با همسر تان، زندگی او را چگونه ارزیابی می کنید؟
- بخش وسیعی از زندگی همسرم کمک به هنوعان خود بود و خیلی خوب به یاد دارم که وقتی در بستر بیماری بود هیچوقت از مرگ هراسی نداشت و فقط نگران بود تا نتواند فعالیت خدمت رسانی خود را به مردم نیازمند ادامه دهد. چه بسا که خاطرات بسیاری از عملکرد و خدمات انسان دوستانه همسرم در ذهن دارم که همگی نشان از محبت و توجه ویژه اش به بیماران، دوستان و مردم است.
- ♦ در حال حاضر چند فرزند دارید؟ از تلاش های همسران در تربیت آنان برایمان بگویید.
- مرحوم همسرم در زندگی خود پدر و همسر بسیار دلسوزی بود. بیست و پنج سال در کنار او بودن از بزرگترین افتخارات زندگی من است. حاصل زندگی مشترک ما یک پسر و یک دختر بود که هر دو خارج از ایران تحصیل می کنند و زوایایی از شخصیت پدرشان را به ارث بردند. همسرم آفاق وسیعی در مقابل فرزندانم در زمینه تحصیلی و فرهنگی به کار گرفته بود، او یک کتابخانه بزرگ در خانه داشت و به یاد دارم همواره فرزندان را به کتاب خواندن تشویق می کرد، او از ابتدای زندگی خود تلاش براین داشت تا کتابهای مهم و قدیمی را در کتابخانه خانه اش جای دهد، قلمداد روزی کتابهای کتابخانه همسرم را به آنجا که نیاز است احدا خواهم کرد. لازم است بدانید که او نه تنها فرزندان خود را بلکه فرزندان دوستان، آشنایان و فامیل را هم به مطالعه دعوت می کرد و از دانسته های خود برای آنان می گفت.
- ♦ از فوت همسران و روزهای آخر زندگی در کنارش برایمان بگویید.
- متأسفانه همسرم نزدیک به پنج سال آخر عمرش به بیماری سرطان مبتلا شد که سخت ترین روزهای زندگی برای من در آن زمان رقم خورد، او به هیچ وجه از این موضوع ناراحت نبود و هراسی نداشت. من تا آخر عمرم به روحیه قوی همسرم در مقابله با بیماری سخت سرطان افتخار می کنم.
- جای خالی اش ...
- همسرم در خارج از کشور دار فانی را وداع گفت و دو سال آخر از عمرش را برای درمان به کشور اسپانیا آمدم، هر دو برای به دست آوردن سلامتی اش در کنار هم خیلی تلاش کردیم. متأسفانه قسمت بر این بود تا ما را تنها بگذارند. صادقانه بگویم او تکیه گاه بزرگی برای من و فرزندانم بود، از وقتی که برای همیشه رفت آرامش هم از خانه مان رفت. زندگی بدون او تجربه سختی است و اگر صبری که خداوند به بندگانش داده است، نبود نمی دانستم چگونه باید به زندگی ادامه می دادم. مرگ همسرم کالوسی برای جامعه پزشکی، بیماران و دوستانش هم بود.
- ♦ آخرین توصیه همسران را به یاد دارید؟
- او همیشه بر یک موضوع بسیار تأکید داشت و آن این بود که همه اساتپها باید برای رسیدن به اهدافشان تلاش کنند و به نوعی تک بعدی نباشند، به این منظور که برای کسب علم تنها به کتابهای درسی و دانشگاهی اتکا نکنند و در زمینه مطالعه پیشتاز باشند. او می گفت همه ما باید نسبت به مسائلی که در اطرافمان رخ می دهد آگاه باشیم. همسرم علاقه ی بسیاری به تاریخ داشت و با وجود اینکه در رشته دارو سازی تحصیل کرده بود اما همیشه اطلاعاتش به روز بود و هیچوقت دست از مطالعه بر نداشت.
- ♦ سخن پایانی
- قصد دارم خواسته ی همسرم را به سرانجام برسانم و در انجام کار خیر به نام و یاد او تلاش کنم. مردم خوزستان ارادت بسیاری به همسرم دارند و دلم می خواهد تا جایی که می توانم برای سلامتی مردم خوزستان و کار خیر که از اهداف مهم همسرم بود تلاش کنم. همسرم برای اینکه وضع سلامتی مردم بهتر شود و زندگی آنها ارتقا یابد از طریق صنف پزشکی و راه های مختلف بسیار تلاش کرد، او همیشه با بیماران و ارباب رجوعان داروخانه خود در اهواز در حد توانش کمک می کرد.
- می خواهم از زحمات ویژه دکتر نادر صاکی و همسر ایشان که از دوستان نزدیک من و همسرم هستند تشکر ویژه داشته باشم، الحق و انصاف کار بزرگی کردند و زمانی که همسرم در کشور اسپانیا در شرایط سخت بیماری سرطان بود کنارمان حضور داشتند، آنها در دشوارترین شرایط زندگی ام دلگرمی برای من و فرزندانم بودند. از حمایت دکتر صاکی و دیگر دوستان صمیمانه سپاسگزارم.
- ♦ لحظه ای وداع با همسر تان...
- وداع با او را هیچوقت فراموش نمی کنم، پدرم دلش تنگ است، سخت تر از آن آن این است که بیماری منخوس کرونا تمام جهان را در بر گرفته است و نمی توانم به ایران بیام تا آنگونه که شایسته شخصیت بزرگ اوست اولین سالگرد او را در کنار دوستدارتش بگیرم. به امید آنکه بیشتر قدر یکدیگر و کنار هم بودن را بدانیم... یادش همیشه در دلمان همچون قاب عکس او بر دیوار خانه ام جاویدان است.